

کتاب دانیال - شماره یکصد و بیست

پرده برداری از نشانه‌های نبوتی: درک تحقق نبوت‌های کتاب مقدس

Jeff Pippenger

2024-03-06

تحقق نشانه‌هایی که با خورشید و ماه و ستارگان نمادین شده‌اند، به تفصیل از سوی مورخان، پیشگامان ادونتیسیم و در نوشته‌های خواهر وایت بررسی شده است. برخی از نشانه‌هایی که عیسی به آن‌ها اشاره کرد به اندازه دیگر نشانه‌ها شناخته شده نیستند. اندک کسانی درمی‌یابند که «پیشانی ملت‌ها» بر «زمین» تحقق مشخصی داشته است. برایشان روشن نیست که نماد لرزش «قوای آسمان»، در مقابل لرزش قوای زمین، چه معنایی دارد. و اندکی از ادونتیسیت‌های لاودیکایی می‌فهمند که «آمدن» «پسر انسان که در ابری می‌آید» در تاریخ میلریتی‌ها تحقق یافت.

روز و ساعت دقیق آمدن مسیح آشکار نشده است. نجات‌دهنده به شاگردانش گفت که خود او نیز نمی‌توانست ساعت ظهور دومش را اعلام کند. اما به رویدادهایی اشاره کرد که از طریق آن‌ها می‌توانستند بدانند آمدنش نزدیک است. «نشانه‌هایی خواهد بود»، او گفت، «در خورشید و در ماه و در ستارگان.» «خورشید تاریک خواهد شد و ماه نور خود را نخواهد داد و ستارگان آسمان فرو خواهند افتاد.» او گفت: «بر زمین تنگی و سردرگمی ملت‌ها خواهد بود؛ دریا و موج‌ها غرش خواهند کرد؛ و مردم از ترس و از انتظار آنچه بر زمین در راه است از هوش خواهند رفت.»

«و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می‌آید. و فرشتگان خود را با بانگ بلند شیپور خواهد فرستاد، و ایشان برگزیدگان او را از چهار باد، از یک سر آسمان تا سر دیگر، گرد خواهند آورد.»

نشانه‌ها در خورشید و ماه و ستارگان تحقق یافته‌اند. از آن زمان، زلزله‌ها، طوفان‌ها، امواج مدی، بیماری‌های واگیردار و قحطی افزایش یافته‌اند. هولناک‌ترین ویرانی‌ها، بر اثر آتش و سیل، یکی پس از دیگری و به سرعت رخ می‌دهند. فاجعه‌های هولناکی که هفته به هفته رخ می‌دهند، با لحنی جدی به ما هشدار می‌دهند و اعلام می‌کنند که پایان نزدیک است و اینکه به زودی ناگزیر رویدادی بزرگ و سرنوشت‌ساز رخ خواهد داد.

«زمان مهلت دیگر چندان دوام نخواهد داشت. اکنون خدا دست بازدارنده خود را از زمین برمی‌گیرد. سالیان دراز به واسطه روح‌القدس خویش با مردان و زنان سخن گفته است؛ اما آنان به این دعوت گوش نسپرده‌اند. اکنون او از طریق داورهای خویش با قوم خود و با جهان سخن می‌گوید. زمان این داورها زمانی از رحمت است برای کسانی که هنوز فرصت نیافته‌اند که بیاموزند حقیقت چیست. خداوند با مهربانی به آنان نظر خواهد کرد. دل رحیم او برانگیخته شده است؛ دستش همچنان برای نجات دراز است. عده بسیاری که در این روزهای آخر برای نخستین بار حقیقت را خواهند شنید، به حظیره امن پذیرفته خواهند شد.» ربویو اند هرالد، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۶.

تاریخ میلریت در روزهای آخر مو به مو تکرار می‌شود. «نشانه‌هایی» که ظهور و تاریخ فرشته اول را مشخص کردند، نمونه «نشانه‌هایی» هستند که ظهور و تاریخ فرشته سوم را مشخص می‌کنند. همه جنبش‌های اصلاحی مقدس به موازات جنبش فرشته سوم در روزهای آخر پیش می‌روند.

کار خدا بر روی زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح بزرگ یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر را نشان می‌دهد. اصول برخورد خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. جنبش‌های مهم زمان حاضر در گذشته نظایر خود را دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین برای زمان ما

درس‌هایی بسیار ارزشمند در بر دارد. مناقشه عظیم، ۳۴۳.

تاریخی که فرشته نیرومند باب هجدهم مکاشفه آن را نمایندگی می‌کند، تاریخ فرشته سوم است، و تاریخی که فرشته سوم نمایندگی می‌کند، به موازات تاریخ فرشتگان اول و دوم در تاریخ میلری جریان دارد.

خدا برای پیام‌های مکاشفه ۱۴ جایگاه‌شان را در سلسله نبوت مقرر کرده است، و کار آنها تا پایان تاریخ این زمین متوقف نخواهد شد. پیام‌های فرشتگان نخست و دوم همچنان حقیقتی برای این زمان‌اند و باید همگام با آنچه در پی می‌آید پیش بروند. فرشته سوم هشدار خود را با صدایی بلند اعلام می‌کند. «پس از این امور»، یوحنا گفت: «دیدم فرشته دیگری که قدرتی عظیم داشت، از آسمان فرود آمد، و زمین از جلال او روشن شد.» در این روشنایی، نور هر سه پیام با هم ترکیب شده است. مواد ۱۸۸۸، ۸۰۳، ۸۰۴.

کار فرشته اول و دوم، که با کار فرشته سوم موازی است، در مثل ده باکره نیز به تصویر کشیده شده است.

"اغلب توجه من به مثل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مثل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹، اوت ۱۸۹۰.

تاریخی که در باب دهم کتاب مکاشفه ترسیم شده، به صورت هفت تندر ارائه شده است، و این هفت تندر نمایانگر رویدادهایی هستند که در تاریخ پیروان میلر رخ داد؛ یعنی همان دوره پیام‌های فرشته اول و دوم. هفت تندر همچنین نمایانگر "رویدادهای آینده" ای هستند که در ایام آخر رخ می‌دهند، و آنها به همان "ترتیب"ی تحقق می‌یابند که در تاریخ پیروان میلر رخ دادند.

نور ویژه‌ای که به یوحنا داده شده بود و در هفت تندر بیان شده بود، تبیینی از رویدادهایی بود که قرار بود تحت پیام‌های فرشته نخست و دوم به وقوع بپیوندند. ...

پس از آنکه این هفت رعد سخن گفتند، فرمانی به یوحنا می‌رسد، همان‌گونه که درباره کتابچه به دانیال رسیده بود: «آنچه را که این هفت رعد گفته‌اند مَهر کن.» این‌ها به رویدادهای آینده مربوط‌اند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۱.

همه جنبش‌های اصلاحی با یکدیگر موازی‌اند و باید «سطر بر سطر» کنار هم آورده شوند تا جنبش اصلاحی نهایی صد و چهل و چهار هزار را نشان دهند. مثل ده باکره تجربه درونی قوم خدا را در جنبش میلرایتی و جنبش صد و چهل و چهار هزار نشان می‌دهد.

"مثل ده دوشیزه در متی ۲۵، تجربه قوم ادونتیست را نیز نشان می‌دهد." مناقشه بزرگ، ۳۹۳.

کار و پیام هم پیروان میلر و هم آن صد و چهل و چهار هزار، به وسیله سه فرشته مکاشفه فصل چهاردهم به تصویر کشیده می‌شود.

"من فرصت‌های گران‌بهایی برای کسب تجربه داشته‌ام. من در پیام‌های فرشتگان اول، دوم و سوم تجربه‌ای داشته‌ام. فرشتگان چنین به تصویر کشیده می‌شوند که در میانه آسمان پرواز می‌کنند، پیامی هشداردهنده را به جهان اعلام می‌کنند و بر مردمی که در واپسین روزهای تاریخ این زمین زندگی می‌کنند تأثیر مستقیم دارند. هیچ‌کس صدای این فرشتگان را نمی‌شنود، زیرا آنان نماد قوم خدا هستند که در هماهنگی با عالم آسمان کار می‌کنند. مردان و زنانی که به وسیله روح

خدا روشن شده‌اند و به واسطه حقیقت تقدیس یافته‌اند، این سه پیام را به ترتیب اعلام می‌کنند." Life Sketches, 429.

رویدادهای نبوی مطرح شده در باب دهم کتاب مکاشفه، با «هفت رعد» نشان داده شده‌اند. آن رویدادها نقطه‌ای را نشان می‌دهند که در آن، امر الهی با امر انسانی پیوند می‌خورد. «نشانه‌هایی» که مسیح در متی باب بیست و چهار، مرقس باب سیزده و لوقا باب بیست و یک شناسایی کرد، همان «نشانه‌هایی» را نمایندگی می‌کنند که جنبش میلری را به راه انداختند و شهادتی موازی نسبت به حرکت صد و چهل و چهار هزار ارائه می‌کنند. صد و چهل و چهار هزار مرگ را نمی‌چشند، چنان‌که به وسیله اخوخ و ایلیا نمایانده شده است. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آن «نشانه» ای که مسیح آن را به عنوان علامت رسیدن نسل نهایی تاریخ زمین شناسایی کرد، در لوقا باب بیست و یک مشخص شده است. برای آن که در شمار آن گروهی باشیم که به وسیله اخوخ و ایلیا نمایانده شده و «صد و چهل و چهار هزار» خوانده می‌شوند، لازم است که آن «نشانه» و هر آنچه نمایندگی می‌کند شناخته شود.

پس از آنکه عیسی شاگردانش را از خلال تاریخ «نشانه‌ها»یی که به آغاز جنبش میلری انجامید، هدایت کرد، سپس شهادت تاریخی خود را تکرار و بسط داد، با افزودن مثلی که همان تاریخ را نمایندگی می‌کرد.

و برای ایشان مثلی گفت؛ اینک درخت انجیر و همه درختان؛ چون جوانه می‌زنند، خودتان می‌بینید و می‌دانید که تابستان اکنون نزدیک است. همچنین شما نیز، وقتی این چیزها رخ می‌دهند، بدانید که پادشاهی خدا نزدیک است. به راستی به شما می‌گویم، این نسل از میان نخواهد رفت تا همه چیز تحقق یابد. آسمان و زمین از میان خواهند رفت؛ اما سخنان من هرگز از میان نخواهد رفت. لوقا ۲۹:۳۱-۳۳.

عیسی مثل را با مشخص کردن تمایزی میان «درخت انجیر»، به صورت مفرد، و «همه درختان» آغاز می‌کند. «درخت انجیر» همان قوم عهد است که در روزهای آخر ادونتیسیم لاودیکه‌ای است و خود را باقیه قوم خدا می‌داند. سایر «درختان» غیریهودیان بودند.

به لعنت کردن درخت انجیر توجه کنید؛ درختی که نماینده ملت یهود است، پوشیده با برگ‌های اظهار ایمان، اما میوه‌ای بر آن یافت نمی‌شود. لعنت بر درخت انجیر اعلام می‌شود؛ درختی که نماینده عامل اخلاقی، اندیشنده و زنده است، نفرین شده خدا، زنده، همان‌گونه که یهودیان تا چهل سال پس از این رویداد زنده بودند، با این همه مرده. توجه کنید، درختان دیگر، که نماینده غیریهودیان بودند، با برگ پوشیده نبودند. آن‌ها بی‌برگ بودند و هیچ ادعایی برای داشتن شناختی از خدا نداشتند. زمان برگ‌دادن آنان برای میوه هنوز فرانسیده بود. شهادت‌های ویژه برای خادمان و کارکنان، شماره ۷، ۵۹-۶۱.

ادونتیسیم لاودیکه‌ای در ایام آخر ملعون است، زیرا با آن که ادعا می‌کند قوم باقیمانده خداست، ادعایش بی‌ثمر است. عیسی در این فراز دو نکته به هم پیوسته اما متفاوت را بیان می‌کند. او تفاوت میان قوم مدعی تعلق به خدا و غیریهودیان را مشخص می‌کند؛ کسانی که نه مدعی پابندی به شریعت خدا هستند و نه دارای روح نبوت، که این‌ها از ویژگی‌های باقیماندهگان ایام آخر است و ادونتیسیم لاودیکه‌ای مدعی پابندی به آن‌هاست. برگ‌ها در ایام آخر نشان‌دهنده ادعای باقیمانده بودن آن‌ها که یوحنا در کتاب مکاشفه آن را معرفی کرده است.

"جهان غیریهودیان با درختان انجیر بی‌برگ و بی‌ثمر نمایانده شده بود. غیریهودیان نیز مانند یهودیان از تقوا بی‌بهره بودند، اما ادعا نکرده بودند که مورد لطف خدا هستند؛ به معنویت والایی فخر نمی‌فروختند. از هر جهت نسبت به راه‌ها و کارهای خدا کور بودند؛ برای آنان هنوز موسم انجیر نرسیده بود. آنان همچنان در انتظار روزی بودند که برایشان نور و امید بیاورد." نشانه‌های

زمان، ۱۵ فوریه ۱۸۹۹.

مسیح میان درخت انجیر و سایر درختان، تمایز دیگری نیز قائل شد. زمان جوانه زدن درخت انجیر با زمان جوانه زدن درختان غیریهودیان متفاوت بود. در ایام آخر «دو دعوت متمایز به کلیساها داده می‌شود»، و صدای نخست از فرشته باب هجدهم مکاشفه، زمانی را مشخص می‌کند که جوانه زدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر قرار بود رخ دهد. «صدای دوم» باب هجدهم مکاشفه، بیانگر زمانی است که سایر درختان قرار بود جوانه بزنند.

در زمان مسیح، یهودیان درخت انجیر بودند و غیریهودیان سایر درختان. در تاریخ میلارایتی، پروتستان‌ها درخت انجیر بودند و میلارایت‌ها سایر درختان. در ایام آخر، ادونتیسیم لاودیکه‌ای درخت انجیر بی‌ثمری است که از اورشلیم (تاکستان) برکنده می‌شود، و صد و چهل و چهار هزار نفر درختان انجیر هستند که میوه می‌آورند. سایر فرزندان خدا که هنوز در بابل‌اند، به عنوان غیریهودیان معرفی شده‌اند.

یک «غیریهودی» بنا به تعریف، «بیگانه» است. درختان غیریهودیان خفته (مرده)‌اند و در زمانی که درخت انجیر جوانه می‌زند و زنده می‌شود، آنها نه جوانه می‌زنند و نه میوه می‌دهند. درخت خفته، درختی خشک است، و هنگامی که غیریهودیان با صدای دوم باب هجدهم کتاب مکاشفه فراخوانده می‌شوند تا از بابل بیرون آیند، آنگاه انتخاب خواهند کرد که سبت روز هفتم را نگاه دارند و با خداوند عهد ببندند.

و بیگانه‌ای که خود را به خداوند پیوسته است نگوید: «خداوند مرا به کلی از قوم خود جدا کرده است»؛ و خصی نیز نگوید: «اینک من درختی خشکیده‌ام.» زیرا خداوند چنین می‌گوید درباره خصیانی که سبت‌های مرا نگاه می‌دارند و آنچه مرا خشنود می‌سازد برمی‌گزینند و به عهد من تمسک می‌جویند؛ به آنان در خانه خود و درون دیوارهایم جایگاهی و نامی بهتر از نام پسران و دختران خواهم داد؛ نامی جاودان به ایشان خواهم بخشید که هرگز منقطع نخواهد شد. و نیز بیگانگانی که خود را به خداوند می‌پیوندند تا او را خدمت کنند و نام خداوند را دوست بدارند تا بندگان او باشند، یعنی هر که سبت را نگاه می‌دارد تا آن را نیالاید و به عهد من تمسک می‌جوید، ایشان را نیز به کوه مقدس خود خواهم آورد و در خانه دعا آنان را شادمان خواهم ساخت؛ قربانی‌های سوختنی‌شان و ذبیحه‌هایشان بر مذبح من مقبول خواهد بود، زیرا خانه من برای همه قوم‌ها خانه دعا خوانده خواهد شد. اشعیا 56:3-7

بیگانه همان «غیر یهودی» است، و «صدای دوم» آنان را فرامی‌خواند که از بابل بیرون بیایند و ایشان به کوه مقدس خدا آورده می‌شوند؛ آنگاه آن کوه «مقدس» او خواهد بود، زیرا گندم و علف‌های هرز به وسیله فرایند آزمونی که در تاریخ «صدای اول» نمایان شده است از هم جدا شده خواهند بود. وقتی آنان در روزهای آخر به کوه خداوند می‌آیند، غیر یهودیان دیگر نه بیگانه خواهند بود و نه درختان خشک.

خورشید و ماه تاریک خواهند شد و ستارگان فروغ خود را باز خواهند گرفت. خداوند نیز از صهیون غرش خواهد کرد و از اورشلیم صدای خود را برخواهد آورد؛ و آسمان‌ها و زمین خواهند لرزید؛ اما خداوند امید قوم خود و قوت بنی‌اسرائیل خواهد بود. بدین‌سان خواهید دانست که من، خداوند خدای شما، که در صهیون، کوه مقدس من، ساکن هستم؛ آنگاه اورشلیم مقدس خواهد شد و دیگر هیچ بیگانه‌ای از آن نخواهد گذشت. یوئیل ۱۵:۳-۱۷.

فرارسیدن برهه‌ای از تاریخ که در آن «صدای دوم» گله دیگر خدا را از بابل فرا می‌خواند، «نشانه»‌هایی دارد که الگوی آن‌ها در نشانه‌های جنبش میلری پیش‌تر ترسیم شده بود. در متی باب بیست و چهارم، مرقس باب سیزدهم و لوقا باب بیست و یکم، شهادت مسیح که در حال بررسی آن هستیم بیان شده

است. در هر یک از آن سه شاهد، یکی از «نشانه‌های معرفی شده این است که قوای آسمانی متزلزل خواهد شد، اما در بیان یوئیل از «نشانه‌هایی که مشخص می‌کنند چه زمانی اورشلیم «مقدس» خواهد بود، هم «آسمان‌ها و هم زمین خواهند لرزید».

یوئیل تحقق کامل «نشانه‌های» پیشگویی شده‌ای را که وقتی اورشلیم مقدس است رخ می‌دهند، مشخص می‌کند. آن زمان هنگامی است که خداوند گناهان صد و چهل و چهار هزار تن را زدوده است و کلیسای لائودیکیه به جنبش فیلادلفیا گذار کرده است. در آن هنگام است که جنبش ششم (فیلادلفیا) به جنبش هشتم (فیلادلفیا) تبدیل می‌شود، که متعلق به هفت کلیساست. در همان هنگام است که کلیسای رزمنده به کلیسای پیروزمند بدل می‌شود. کلیسای رزمنده عنوانی است برای کلیسای خدا که از گندم و زوان تشکیل شده است. کلیسای پیروزمند کوه مقدس خداست که «مقدس» است و «دیگر هیچ بیگانه‌ای از میانش عبور نمی‌کند».

فرا رسیدن بیرق برافراشته — که همان کلیسای پیروزمند است، «هشتمی که از آن هفت است»، یعنی هنگامی که اورشلیم «مقدس» است — با «نشانه‌ها» همراه است. عیسی برای آنکه نقطهٔ ارجاعی در اختیار قوم خود بگذارد تا «نشانه» مرگ یا زندگی را — که مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌کند — تشخیص دهند، از درختان و چرخه طبیعی زندگی یک درخت بهره گرفت تا آن درس بسیار مهم را بیاموزد.

مسیح به قوم خود فرمان داده بود که مراقب نشانه‌های ظهور او باشند و چون نشانه‌های پادشاه در راهشان را ببینند شادمان شوند. او گفت: «وقتی این امور آغاز به وقوع می‌پایند، آنگاه به بالا بنگرید و سرهای خود را برافرازید، زیرا رهایی شما نزدیک است.» او پیروانش را به درختان بهار که جوانه می‌زنند توجه داد و گفت: «وقتی اکنون جوانه می‌زنند، خودتان می‌بینید و می‌دانید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز، وقتی می‌بینید این امور به وقوع می‌پیوندد، بدانید که ملکوت خدا نزدیک است.» لوقا ۲۱:۲۸، ۳۰، ۳۱. نبرد عظیم، ۳۰۸.

وقتی درختان در بهار شروع به جوانه زدن می‌کنند، تابستان نزدیک است.

درو گذشته است، تابستان به پایان رسیده است و ما نجات نیافته‌ایم. ارمیا ۸:۲۰.

درختان جوانه زده نشان می‌دهند که بهار فرا رسیده است، و در نتیجه می‌دانیم که تابستان نزدیک است، و در تابستان است که محصول برداشت می‌شود.

دشمنی که آن‌ها را کاشت، شیطان است؛ درو، پایان جهان است؛ و دروگران فرشتگان‌اند. متی ۱۳:۳۹

درو در پایان جهان است. هنگامی که درختان شروع به جوانه زدن می‌کنند، باید بدانید که پایان جهان قریب‌الوقوع است.

نباید هیچ سخن نجات‌دهنده را چنان به کار برد که سخن دیگری را نابود کند. هرچند هیچ‌کس روز و ساعت آمدن او را نمی‌داند، به ما تعلیم داده و از ما خواسته شده است که بدانیم چه وقت نزدیک است. نیز به ما آموخته شده است که بی‌اعتنایی به هشدار او، و خودداری یا غفلت از دانستن نزدیک بودن ظهور او، برای ما همان قدر مرگ‌بار خواهد بود که برای کسانی که در روزگار نوح می‌زیستند ندانستن زمان فرارسیدن طوفان چنین بود. مناقشه بزرگ، ۳۷۱.

مطالعهٔ خود دربارهٔ باب بیست‌ویک لوقا را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.

من دیدم که قدرت‌های زمین اکنون در حال لرزیدن‌اند و اینکه رویدادها به ترتیب رخ می‌دهند. جنگ و شایعات جنگ، شمشیر، قحطی و وبا نخست قدرت‌های زمین را می‌لرزاند، سپس صدای

خدا خورشید و ماه و ستارگان و نیز این زمین را خواهد لرزاند. دیدم که لرزش قدرت‌ها در اروپا، آن‌گونه که برخی تعلیم می‌دهند، لرزش قدرت‌های آسمان نیست، بلکه لرزش ملت‌های خشمگین است. نوشته‌های نخستین، ۴۱.